

چرا اکثر پیامبران الهی در بین النهرین ظهور کردند؟

در پاسخ به این سوال باید به چند نکته توجه کرد:

۱- ما از سرگذشت بسیاری از پیامبران خبر نداریم، پس هرگز نمی توانیم به طور قاطع بگوییم که تمام پیامبران در فلان منطقه بوده اند:

«وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ» [نساء/۱۶۴] و پیامبرانی که سرگذشت آنها را پیش از این، برای تو باز گفته ایم و پیامبرانی که سرگذشت آنها را بیان نکرده ایم.»



خصوصاً با توجه به تعداد زیاد انبیاء که در روایات به آن ها اشاره شده است:

پیامبر خدا (ص) فرموده اند: «خداوند متعال یک صد و بیست و چهار هزار پیامبر آفرید.» [۱]

۲- بسیاری از رسولان، وظیفه تبلیغی داشته اند. راوی از پیامبر (ص) می پرسد که چند پیامبر از بین پیامبران، مرسل بوده اند و پیامبر (ص) در جواب می فرماید: سیزده نفر. [۲] با این حساب روشن است بسیاری از انبیاء، مطالب پیامبر مرسل را تبلیغ می کرده اند. همانگونه که حضرت لوط (ع) در زمان حضرت ابراهیم (ع) وظیفه تبلیغی داشته است. پس طبیعتاً اسم رسول مرسل بیشتر باقی می ماند. و ما نمی توانیم با توجه به منطقه زندگی پیامبر مرسل، وجود پیامبران را در آن منطقه منحصر بدانیم. چون روشن شد که پیامبران مرسل عده ای را به نواحی دیگر اعزام می کرده اند.

۳- سنت الهی این است که به مرکزیت توجه نموه و سخن خود را از مرکز سرزمین ها، منتشر کند:

«وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا» [قصص/۵۹] و پروردگار تو هرگز شهرها و آبادیها را هلاک نمی‌کرد تا اینکه در کانون آنها پیامبری مبعوث کند که آیات ما را بر آنان بخواند. پس طبیعی است که با توجه به مرکزیت خاورمیانه، عمده پیامبران مرسل، در این ناحیه زندگی کرده باشند. به هر حال امر قطعی این است که خدای متعال عادل است و بدون اتمام حجت بر هیچ بشری، او را عذاب نمی‌کند و در آیه بالا به همین امر اشاره شده است.

آیت الله جوادی در پاسخ به این سوال می‌فرمایند: «این که در غرب پیامبری ظهور کرده است یا نه باید گفت ممکن است در آن قسمت‌ها جمعیتی نبوده و یا اگر بوده ما دلیلی نداریم که خداوند برای آنها انبیایی نفرستاده است چون همه انبیایی که آمار و نامشان در جوامع روایی هست تنها نام بعضی در قرآن ذکر شده است خدای سبحان می‌فرماید: (منهم من قصصنا عليك و منهم من لم نقصص عليك؛ [غافر/ ۷۸] ما پیش از تو رسولانی فرستادیم سرگذشت گروهی از آنان را برای تو باز گفته و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم) لذا شاید در غرب نیز انبیایی بوده‌اند که در قرآن قصه آنان نیامده است و علت عدم ذکر نام و قصه آنان در قرآن این است که کتاب و آثار تبلیغی آنها برای مردم مشرق زمین و خاورمیانه اصلاً آشنا نبود» [۳]

نخست باید دانست یکی از مهمترین وظایف پیامبران به ویژه پیامبران اولوا العزم، هدایت و داوری میان مردمی است که به دلیل شکل‌گیری نظام اجتماعی و تزاخم منافع با همدیگر اختلاف پیدا کرده بودند زیرا انسان‌ها در ابتدا به صورت گروه‌های کوچک و به طور اشتراکی زندگی می‌کردند. اما رفته رفته با پیدایش آتش و فلز و گسترش امکانات، برخی بر برخی سلطه پیدا کردند و بسیاری از هدایت الهی دور شدند و آن یکپارچگی اولیه را از دست دادند. این بحران‌ها بیشتر در سرزمین‌های با تمدن کهن که به طور عموم در

منطقه خاورمیانه بودند شکل گرفت. از این رو بیشتر پیامبران و به ویژه پیامبران اولوا العزم در این مناطق مبعوث شدند.

چنان که در قرآن مجید نیز می خوانیم: «كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ماجاءتهم البينات بغيا بينهم فهدى الله الذين ءامنوا لما اختلفوا فيه من الحق باذنه والله يهدى من يشاء الى صراط مستقيم»: مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد - پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد - به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند هدایت کرد و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند»

اولاً، یکی از لوازم نبوت عامه این است که هیچ مردمی بدون راهنما نیستند و ممکن نیست خداوند ملتی را بدون راهنما رها کند زیرا خدا مربی و مدبر انسان است و انسان مسافری است که عوالمی را پشت سر گذاشته و عوالمی پیش روی دارد انسان بدون راهنمایی وحی نمی داند از چه عوالمی آمده است و به کدام عوالم می رود قرآن کریم در این مورد می فرماید هیچ امتی بدون پیغمبر و راهنما نخواهد بود «ان من امة الا خلا فيها نذير»، (فاطر، آیه ۲۴) امکان ندارد جمعیتی در منطقه ای زندگی کنند و خداوند برای آنان راهنما نفرستد خداوند مردم را خواه موحد و خواه غیر موحد از نبوت جدا نمی کند اصولاً نبوت از بشریت جدا نمی شود یعنی ممکن نیست در عصری یا نسلی در سرزمینی گروهی زندگی کنند و برای آنان نبوت نباشد و ممکن نیست جامعه بشری را بیافریند و وحی و سروش غیبی را خلق نکند زیرا جامعه بدون وحی حیات انسانی نخواهد داشت.

انفکاک بشریت و نبوت ممکن نیست یا خود پیغمبر در یک جامعه معین به سر می برد و یا نماینده و جانشین او و یا کتاب و تعالیمش.

این که در غرب پیامبری ظهور کرده است یا نه باید گفت ممکن است در آن قسمتها جمعیتی نبوده و یا اگر بوده ما دلیلی نداریم که خداوند برای آنها انبیایی نفرستاده است چون همه انبیایی که آمار و نامشان در جوامع روایی هست تنها نام بعضی در قرآن ذکر شده است خدای سبحان می‌فرماید: «منهم من قصصنا علیک و منهم من لم نقصص علیک»؛ ما پیش از تو رسولانی فرستادیم سرگذشت گروهی از آنان را برای تو باز گفته و گروهی را برای تو بازگو نکرده‌ایم، (غافر، آیه ۷۸) لذا شاید در غرب نیز انبیایی بوده‌اند که در قرآن قصه آنان نیامده است و علت عدم ذکر نام و قصه آنان در قرآن این است که کتاب و آثار تبلیغی آنها برای مردم مشرق زمین و خاورمیانه اصلاً آشنا نبود، (تفسیر موضوعی ج ۶ آیت عبدالله جوادی آملی).

ثانیا، باید راهی ورای حس و عقل باشد که بتوان از آن برای هدایت مردم استفاده کرد اما فعلیت یافتن هدایت افراد مشروط به دو شرط است: یکی آنکه خودشان بخواهند از این نعمت الهی بهره‌مند شوند، دوم آنکه دیگران موانعی برای هدایت آنان فراهم نکنند و محروم ماندن بسیاری از مردم از هدایت انبیاء در اثر سوء اختیار خودشان بوده است چنانکه محرومیت بسیاری دیگر در اثر موانعی بوده که دیگران در راه گسترش دعوت انبیاء بوجود آورده بودند. و پیامبران خدا همواره برای برداشتن این موانع می‌کوشیدند با دشمنان خدا و بویژه زورمندان و مستکبران به ستیز برمی‌خواستند بسیاری از ایشان در راه ابلاغ رسالت الهی و هدایت مردم جان خود را فدا کردند.

نکته قابل توجه اینکه ویژگی اختیاری بودن حرکت تکاملی انسان ایجاب می‌کند که همه این جریانات به صورتی انجام یابد که زمینه حسن یا سوء انتخاب برای طرفین حق و باطل فراهم باشد مگر اینکه تسلط زورمندان و اهل باطل بجایی برسد که راه هدایت دیگران را بکلی مسدود کند و نور حق و هدایت را در جامعه خاموش سازند در این صورت خدای متعال از راه های غیبی و غیر عادی طرفداران حق را یاری خواهد کرد اگر چنین موانعی بر سر راه انبیاء نمی‌بود دعوت ایشان بگوش همه جهانیان می‌رسید و همگی از

نعمت هدایت الهی بوسیله وحی و نبوت بهره‌مند می‌شدند پس گناه محرومیت بسیاری از مردم از هدایت انبیاء بگردن کسانی است که جلو گسترش دعوت ایشان را گرفته‌اند، (آموزش عقاید ج ۲ استاد محمد تقی مصباح یزدی).

منابع

[۱]. الخصال، ج ۲، ص: ۶۴۱.

[۲]. بحار الأنوار، ج ۷۴، ص: ۷۳.

[۳]. تفسیر موضوعی ج ۶ آیت عبدالله جوادی آملی.